

معرفی چند مجازات جایگزین

جون عزیزت حبس مون کن



محمد زنگنه رضایی

تقدیر از این اقدام مؤثر، برای جرایم زیر چند مجازات جایگزین پیشنهاد می‌کنیم.

۱. اخلاص در بازار ارز: پیشنهاد می‌شود برای اینکه اخلاصگران و سوداگران بازار ارز بقیه‌مند بالا و پایین شدن قیمت ارز چه تبعاتی برای شهروندان دارد، ویروس یکی از بیماری‌های نادر و خطرناکی که داروی آن وارداتی است و به قیمت ارز وابسته است، به بدن اخلاصگران مذکور تزریق شود و سپس نامبردگان در ناصرخسرو رها شوند تا اگر توانستند داروی مذکور را پیدا کرده و جان خود را نجات دهند. لازم است قبل از رهاسازی مجرم تمام ثروتش

مصادره شده و فقط به اندازه نصف حقوق ماه یک کارمند، به وی پول داده شود.

۲. دلالی در بازار میوه: برای تنبیه سوداگران بازار میوه، ابتدا باید جریمه سنگینی تعیین شود؛ سپس باید دلان را مجبور کرد تا شخصاً زمینی را شخم بزنند، سپس میوه‌ای را بکارند و در سرما و گرما با یک زیرپوش بالای سر محصول بایستند و خودشان کود مورد نیاز کشاورزی را مستقیماً از احشام تهیه کنند و بعد از اینکه محصول به بار نشست، خودشان شخصاً آن را باروانت کرده و به شهر آورده و با قیمت منصفانه‌ای بفروشند. سپس

اگر توانستند با پولش جریمه سنگین را بپردازند، وگرنه که تا آخر عمر از خوردن هر میوه‌ای محروم شوند.

۳. تولید خودروی بی کیفیت: مجازات اینها تقریباً ساده است. فقط یک روز در مراحل تست تجهیزات ایمنی خودرو، به جای آن آدمک چوبی تیره‌بخت که پشت فرمان می‌نشانند، باید یک تولیدکننده خودروی بی کیفیت بنشیند؛ اگر زنده ماند جرمش بخشیده خواهد شد. اما اگر مرد، وی را با استفاده از جادو و جملیل دوباره زنده می‌کنند و مجبور می‌شود تا با خودروی تولید خودش به یک مسافرت جاده‌ای برود و برگردد.
۴. خفت‌گیری: خفت‌گیران باید

مجبور شوند به شهروندان آموزش دفاع شخصی و روش‌های مقابله با خفت‌گیری را مجانی آموزش دهند و در کلاس‌ها نیز شهروندان تمام فنون آموزشی را روی خود خفت‌گیر پیاده کنند. همچنین ماهی یک‌بار فضای خفت‌گیری شبیه‌سازی می‌شود و طی آن شهروندان جلوی یک خفت‌گیر را می‌گیرند و ضمن خواباندن دوتا چک نر و ماده زیر گوش خفت‌گیر مذکور، مایحتاج ماهانه خود را از او می‌گیرند. البته پس از پایان شبیه‌سازی مبلغ خفت‌گیری شده از شهروندان پس گرفته می‌شود و برای شبیه‌سازی بعدی نگهداری خواهد شد.

۵. مافیای گوشت: از آن جایی که گرانی گوشت باعث حذف این کالا از سفره مردم می‌شود، مافیای گوشت نیز باید مجبور شوند پنج سال تمام فقط تخم‌مرغ و سویا بخورند. اگر کسی از مجرمین تخلف کرد و گوشت خورد، او را با یک لباس کاملاً قرمز، به مدت ۱۰ ساعت وسط زمین گاو بازی ول می‌دهیم تا برای نجات جاننش از دست گاوهای وحشی فرار کند. مطمئن باشید اگر وی زنده از زمین گاو‌بازی بیرون بیاید، دیگر تا آخر عمرش سمت هیچ گاو و دام دیگری نمی‌رود و در نتیجه بازار گوشت قرمز به آرامش خواهد رسید.

دیوانه حافظ

افشار جابری و حافظ شیرازی

«یار مردان خدا باش که در کشتی نوح»
اگر این بخش نباشد همه کافور و خزند

دست و پا زدن به روش عطار



بهراد توغیانی

فریدالدین محمد کدکنی، معروف به عطار نیشابوری، شاعر و عارف و ریاضیدان بود و از هر انگشتش مثل آبپاش، هنر می‌ریخت. از سال تولد وی اطلاعی در دست نیست اما سال وفات وی نیز محل اختلاف است. وی در حمله مغولان و احتمالاً به جرم زبان سرخ، سر سبز از یک دروازه‌ای آویزان گردید (مثل سریال سرداران). چون پدرش دوا فروش (۱) بود، او هم وارد کار دواجات شد و چون آن وقت‌ها فقط دوا فروش‌ها عطر داشتند، به آنها عطر می‌گفتند. از ده کتاب عطار، هشت کتاب مانده و دواتی دیگری یا پیدا نشده یا به دست نیامده. عطار نیشابوری حدود هشتصد سال قبل، دوره روانشناسی موفقیت در پیش‌برگزار می‌کرده از اینهایی که ۲۴ ساعته می‌گویند خورشید تویی، برق تویی، دنیا تویی، توه، تو تویی دنیایی، خودتی و اینها: «تو سیمرغی ولیکن در حجابی / تو خورشیدی ولیکن در نقابی». بقیه اشعار در های لایت.

گفته شده که عطار، دختری را می‌خواست اما آن دختر، شش خواهر بزرگتر داشته که هفت قلو بوده‌اند و اسم همه‌شان هم دریا بوده، غیر از ناهید که شبنم صدایش می‌کرده‌اند و عطار، آخر هم نفهمیده آن دختر منظور، کدامشان بوده است. اما جرأت ریسک داشته و پس از افتتاح حساب برای وام ازدواج، به خواستگاری رفته. در خانه هفت قلوها وقتی شنیده که علاوه بر مهریه و شیربها و مراسم و مسکن مناسب، باید هفت تکه چوبی هم برای هفت عروس بخرد، بی‌خیال ازدواج شده و گفته: «حریمی می‌کنم با هفت دریا / ولیکن زور یک شبنم ندارم». یک جورهایی همان «خر ما از اول هم اشتباهی بود» خودمان. بعد هم فرزند پریده، رفته بیمارستان و قلبش را اهدا کرده: «تن من جایی و دلم جایی».

عطار نیشابوری علاقه عجیبی به نوشتن نامه داشته و از سوزنی سمرقندی شُرشه‌سرای نقلی است، خودش دیده که عطار برای خودش هم نامه می‌نوشته حتی. اسم کتاب‌هایش حرف سوزنی را تأیید می‌کند: الهی‌نامه، اسرارنامه، جواهرنامه، خسرونامه، مصیبت‌نامه، مختارنامه، سیمرغ‌نامه (منطق‌الطیر)، قلب‌نامه (شرح‌القلب). البته وی یک دیوان اشعارخالی (بدون نامه) و کتاب تذکره‌الاولیا را هم دارد که دومی نه شعر است و نه نامه. عطار بیشتر از دکتر شریعتی و انبیشترین درباره کسب‌وکار و استارت‌آپ جمله دارد که این دو بیت درباره «داشتن پارت»، «فرصت‌طلبی» و «آموزش شنا» از آن دست است:

دل در راه حق، گیر آشنایی

اگر خواهی که یابی روشنایی

در افتادی به دریای حقیقت

مشو غافل، همی زن دست‌ویایی

۱) جقدر فکر شما خراب است! دوا فروش یعنی دارو فروش. همین داروخانه دار خودمان.



طوبی عظیمی‌زاد

ما شبی دست بر آریم و دعایی بکنیم
غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم

ای صاحب فال گویی سحری نخورده‌ای و بسیار گرسنه هستی!

منتظر هستی و دعا می‌کنی تا کسی در خانه را بزند و برای افطار یک پرس زرشک پلو با مرغ نداری برایت بیاورد ولی زرشک هم برایت نمی‌آورد چه برسد به پلو!

با وجود قیمت نجومی برنج؛ نهایتاً همسایه‌ها گل‌ریزان کنند و برایت زولبیا بیاورند که فشارت نیفتد!
چنانچه دلت لک زده تا فقط یک بار دیگر بوی برنج دم‌کشیده را استشمام کنی از جوراب‌هایت غافل نشو که بسیار شبیه رایحه برنج دم‌کشیده است.

فال روز

۱۰ فرمون برای اعتلای فرهنگ آپارتمان‌نشینان



محمدعلی النجاتی

۱. اگر در این اوضاع قاراشمیش مسکن، توانسته‌اید آپارتمانی اختیار کنید، خداقوت دلاور، خسته نباشی پهلوان!
۲. هنگام بازگشت به منزل، همسایه‌ها را در جریان قرار دهید تا از نگرانی خارج شوند. برای این امر در پله‌ها یورت‌مه بریزید و یاها را با قدرت چندین تن بر میلی متر مربع، روی آنها بکوبانید.
۳. تمام هم و غم خود را بر جمله طلایی «مصرف بی‌رویه، کار خیلی بدیه» بابابرقی بگذارید. پس هوار بزنید، همسایه‌ها ابله نیستند. زندگی را بی‌نمک ول نکنید.
۴. کبابی را که باد می‌زند تا به نیش بکشید، دودش را به سمت همسایه‌ها فوت کنید تا با وصف عیش، پنجاه درصد از آن را کسب کنند.
۵. پول شارژ را داخل یک قلمک، قطره قطره جمع و همه را بیهوشی پرداخت کنید. این جور مدیر ساختمانی می‌تواند پول را به یک زخمی بزند.
۶. آشغال‌ها را به نحوی حمل کنید که چلیک چلیک آب زباله‌های تر به دنبال شما ردگدازی کند؛ زیرا حادثه خبر نمی‌کند. شاید یک‌هوا کلوخی یا فضاییمایی بر سر تان فرو آمد و آدرس بالکل از کله‌تان پرید.
۷. شادی‌هایتان را با همسایه‌ها فیتی فیتی کنید. هر زمان تولدی به صرف الویه داشتید، کلبه‌کش‌ها را قطاری روی پله‌ها بچینید تا آنها از دیدن این همه خوشحالی شما مشغوف شوند.
۸. مشاعات را نصب‌العین خود قرار دهید. هر چه در آنجا جلوی چشم دیدید، فوری و قوتی به کار بگیرید. پس دیگر نگران کمبود وسایل نباشید.
۹. تک‌تک فضاها را به نحو احسن به کارگیری کنید، مثلاً دیوار انباری را قفسه بزنید و به بقال محل اجاره دهید. یا از عابرین که به تنگ آمده‌اند، پول بگیرید و بگویید مستراح کجاست.

راز فنا

پارک چرها



مجتبی فغیاهی

پارک‌چرها جانورانی پارک‌زی هستند. این دوزیستان تازه به بلوغ رسیده دوران سنوزوئیک، عمر خود را در پارک‌های شهر به بطالت می‌گذرانند و این مکان را چر داده‌اند. از ویژگی‌های بارز این جانوران پوشیدن لباس‌های نامتعارف مانند شلوارهای خشتک بر زمین، پاجه تنگ، جوراب و کفش کالج، زلم زیمبوهای آویزان و موی سایه‌دار است. این جانوران ناطق به گونه‌ای سخن می‌گویند که انگار زبانشان به سرویس بهداشتی نواحی دیگر بدنشان متصل است و نمی‌توانند مانند آدمیزاد سخن بگویند. خصوصیت بارز دیگر این جانوران شهرنشین اعتیاد آنها است که از سیگار شروع شده و به گل و شیشه ختم می‌شود. این موجودات در مواجهه با تذکرات والدین و دیگران از عبارت «خفه شید بابا زندگی خودمه» استفاده کرده و به ناله‌های نامتعارف در اینستاگرام روی می‌آورند. اخیراً نیز گونه‌های جدیدی از این جانوران مشاهده شده‌اند که گوشی در دست گنگ بالا بازی درآورده و استوری‌خفن‌پر می‌کنند. سازمان بهداشت جهانی در آخرین دستورالعمل بهداشتی خود این جانوران را مخل آرامش و بر هم زنده بهداشت جامعه معرفی کرده و به دولت‌ها پیشنهاد نموده تا فکری به حال زندگی این جانوران کرده و از هدررفت منابع برای آنان جلوگیری نمایند.

چرا نباید روزه بگیریم؟



محمد کورپه‌یز

البته واضح و مبرهن است که روزه گرفتن کار خوبی نیست و همه‌اش ضدحال است. یعنی هرچی که آدم از آن حال می‌کند را در روزه ممنوع کرده‌اند. مثلاً ما باید قبل از اذان صبح بیدار بشویم و سحری بخوریم. در حالی که ما لنگ ظهر هم حال نداریم بلند شویم. ساعت خواب‌مان به هم می‌ریزد. یکی از دلایل روزه گرفتن این است که انسان حال فقرا و گرسنگان را درک کند. ولی ما وقتی گرسنه می‌شویم آن روی سگ‌مان بالا می‌آید و رمز گوشی‌مان را هم فراموش می‌کنیم چه برسد به حال فقرا. ضدحال بعدی اینکه در روزه یک نخ سیگار ناقابل هم نمی‌شود کشید. ما اگر نکشیم نه تنها کلاس‌مان پایین می‌آید بلکه اعصاب‌مان هم مگسی شده و با همه دست به یقه می‌شویم. مشکل دیگری این است که ماه رمضان از بقیه ماه‌ها خیلی طولانی‌تر است، مثلاً اگر الان ماه شعبان بود تا حالا تمام شده بود. ولی روزهای ماه رمضان هی طول می‌کشد و هی طول می‌کشد. روزه گرفتن برای آبمیوه‌فروشی‌ها و چلوکبابی‌ها و فلافل‌ها هم ضررهای سنگین به دنبال دارد و هر سال ماه رمضان سهام ساندویچی‌های فری کثیف روزی ۵ درصد منفی می‌خورد. ضمناً علاوه بر زخم معده، زخم روده و زخم مری و زخم کبد و زخم اثنی عشر هم دارم و دکتر گفته اگر یک دقیقه غذا نخوری می‌میری. در ضمن تظاهر به روزه‌داری هم کار خوبی نیست و فریب افکار عمومی می‌باشد پس حتماً باید جلوی چشم مردم روزه‌دار یک چیزی بلمبانیم. با تمام اینها ما برای همدلی با روزه‌داران، در تمام مراسمات توزیع افطاری در اقصی نقاط کشور شرکت می‌نماییم. فقط لطفاً در ظرف یک بار مصرف بریزید. قابلمه نداریم.

